

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: تنبیه کودک از منظر فقه و علوم تربیتی

پژوهشگر: سکینه صادقی تفتی^۱

استاد راهنما: دکتر پروانه نخعی

چکیده

مسئله تربیت و تربیت کودکان به طور خاص از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ توجه به تعلیم و تربیت کودکان به طور گسترده در احادیث و روایات مورد اشاره قرار گرفته است؛ چرا که اسلام به این نکته تاکید دارد که افراد با فطرت پاک و سالم به دنیا می آیند و به تمام جنبه های تربیت کودکان توجه کرده و تدابیر مثبتی را برای اصلاح و تربیت جسمی و روانی آنها مقرر کرده است. از جمله روش های تربیتی، تنبیه است که می تواند در موقعیت های خاص یک روش اصلاحی بوده و از این جهت در گروه روش های ایجابی قرار گیرد و از سوی دیگر اعمال آن در صورتی مؤثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود و در غیر این صورت اثرهای تخریبی آن به مراتب بیشتر خواهد بود و این امر آن را در گروه های سلبی و آسیب زا قرار می دهد.

تنبیه دارای مراحل از جمله تغافل، کنایه، تذکر مستقیم و غیرعلنی، محروم سازی، توبیخ و سرزنش و در نهایت تنبیه بدنی است و به کار گیری این روش تربیتی مستلزم رعایت اصول و قواعدی است که اگر مورد غفلت قرار گیرد آسیبهای جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. از دید روانشناسی و فقهی دو دیدگاه عمده راجع به تنبیه کودکان وجود دارد، دیدگاه اول نظر مخالفان است که به ادله هایی چون موقنی بودن اثر تنبیه، پیدایش آثار هیجانی نامطلوب، اصل اولیه حرمت تنبیه تمسک بسته اند و دیدگاه دوم در مقام دفاع از جواز این عمل هستند. لیکن به نظر می رسد دیدگاه دوم قابل پذیرش است و ادله مخالفان نمی تواند موجب حذف اصل تنبیه شود و غالب اشکالات ناظر به عدم رعایت اصول اجرایی تنبیه است.

واژگان کلیدی: تربیت، تنبیه، کودک، تأدیب.

مقدمه

انسان این اشرف مخلوقات دارای توانایی ها و استعداد های بی شمار و پیچیدگی های روحی و جسمی فراوانی می باشد، انسان در جهان آفرینش نسبت به سایر موجودات از قابلیت پرورش و تربیت بسیار بالایی برخوردار است به طوری که خداوند متعال او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده است و این مهم به آگاهی و شناخت روش زندگی و بینش حق از باطل و اتخاذ راه مستقیم نیاز دارد.

^۱ طلبه سال سوم سطح سه فقه و اصول

وجود استعدادهای فراوان در انسان و نعمت‌های مختلف در طبیعت و لزوم تلفیق صحیح این استعدادها و امکانات در جهت اعتلا و تکامل انسان، ضرورت تربیت انسان‌ها را بیش از پیش آشکار می‌نماید؛ چرا که نمی‌توان انسان این موجود بی‌نهایت را به صورت بی‌هدف رها کرد یا او را به دست تمایلات و غرایز نفسانی سپرد بلکه باید با بکارگیری اهرم‌های انسان‌سازی و بهره‌گیری از روش‌های درست تربیتی این موجود نامتناهی را به کمال بی‌نهایت خود نزدیک و نزدیک‌تر ساخت.

اصل در امر تربیت بر تشویق و محبت و مدارا است، اما تنبیه نیز از روش‌های تربیتی بوده که در مواقع ویژه‌ای می‌تواند روشی بازدارنده و گاه اصلاحی باشد و از طرفی اعمال این روش در صورتی موثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود، در غیر این صورت اثرهای تخریبی آن به مراتب بیشتر از پیامدهای مثبت آن خواهد بود. در انسان حقیقتی به نام «حب ذات» وجود دارد که اثبات آن نیاز به برهان ندارد، چرا که هر کسی این حقیقت را درک می‌کند و می‌توان گفت مبنای تمام کارهای انسان همین حقیقت است؛ اگر چیزی را دوست می‌دارد به آن عشق می‌ورزد به این دلیل است که از این راه برای او لذتی حاصل می‌شود و اگر از چیزی می‌ترسد و یا تنفر دارد از آن جهت است که آن را درد آور و آزار دهنده نفس خود می‌داند، از این رو تمام تلاش خود را در جهت جذب لذت‌ها و امور خوشایند و دفع امور ناخوشایند است و همین امر دلیل اثر گذاری روش تنبیه است و به مربی اجازه می‌دهد تا این روش را به کار گیرد، چرا که ماهیت تنبیه رو به رو ساختن کودک با امور ناخوشایند است، زمانی که وی با این امور مواجه شد و فهمید که علت این مواجهه رفتارهای نابهنجاری است که از او سر زده، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و برای اینکه دوباره با این تجربه نامطلوب روبرو نشود از تکرار آن خودداری می‌کند؛ تنبیه از روش‌هایی است که تمام مراحل رشد انسان را شامل می‌شود و در گستره عمر انسان کاربرد دارد چرا که تربیت از همان لحظه‌های آغازین زندگی شروع می‌شود و تا لحظه‌های پایانی عمر ادامه می‌یابد و گذشته از آن محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که باعث به خطا رفتن انسان می‌شوند همواره همراه انسان است از این رو تنبیه در تمام مراحل زندگی کاربرد خاص خود را دارد.

در این مقاله سعی شده، این روش تربیتی از منظر علوم تربیتی، روانشناسی و فقه امامیه مورد بررسی قرار گیرد.

۱- تربیت

برای تربیت معانی لغوی متعددی در کتب لغت ذکر گردیده است از جمله:

تربیت در زبان عربی مصدر و از ریشه «رب» است و به معنای دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد برسد.^۱ در لسان العرب گفته شده «تربیت از ریشه (رَبَو) و به معنای غذا دادن و بزرگ کردن یا رشد و نمو جسمانی داشتن، است».^۲

^(۱) حسین بن محمد، راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، نشر سبحان، ۱۳۸۸ هـ.ش ص ۱۸۹

^(۲) محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، جلد ۵، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۹۶

در بیان دیگری از معنای تربیت گفته شده «تربیت از ریشه (رَبَّوْ) و به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است.»^۱

در فرهنگ فارسی معین نیز تربیت به معنای «پرورتن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن» آمده است.^۲

در قاموس قرآن نیز گفته شده «(رَبَّ): تربیت کرد. (رَبُّ الصَّبِيِّ رَبًّا): بچه را تربیت کرد تا به رشد رسید، راغب می‌گوید: رب در اصل به معنی تربیت است و به طور مطلق بر خدا اطلاق می‌شود، (رب العالمین) یعنی پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات.»^۳

در تعریف اصطلاحی تربیت گفته شده است: «تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است و به فعلیت درآوردن و پروراندن آن»^۴

«تربیت به معنای پرورش استعدادهای مثبت تا رسیدن به سر حد کمال ممکن و ایجاد هماهنگی لازم در بین آنها همراه با تضعیف استعدادهای منفی تا رسیدن به سرحد انهدام ممکن از وجود.»^۵

تربیت به معنای پروردن قوای جسمانی و روانی انسان برای حصول به کمال مطلوب، انتقال تفکر، احساس و عمل جامعه به آیندگان می‌باشد؛ تربیت کوششی است به منظور ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او، تربیت یعنی هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکامل بشر یا ایجاد هیئت تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه رشد و تکامل همه جانبه.^۶ «تربیت مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان به منظور اثرگذاری و شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسانهای دیگر براساس برنامه‌های سنجیده می‌باشد.»^۷

در برخی از آثار نیز پس از ذکر مفهوم تربیت به تبیین مفهوم تربیت دینی اشاراتی شده است که در این جا به عنوان نمونه ما نیز به دو مورد اشاره می‌نماییم: «تربیت دینی مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.»^۸

۱) احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقائیس اللغة، به تحقیق عبد السلام محمد هارون، جلد ۲، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۳۸۱

۲) محمد معین، فرهنگ فارسی معین، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، نشر دیبا، ۱۳۸۶، ص ۸۱۸

۳) سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، جلد ۳، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۴۳

۴) مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ هفتاد و پنجم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰، ص ۷۶

۵) احمد صبور اردوبادی، زیربنای تربیتی (اخلاق و انسان)، بی‌جا، انتشارات شناخت اسلام، بی‌تا، ص ۳۲

۶) علی قائمی، پرورش مذهبی کودک، قم، انتشارات رشد، ۱۳۵۸، ص ۵۰ و نیز از همین نویسنده زمینه تربیت، قم، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، ص ۲۳ و

همچنین از همین نویسنده خانواده و تربیت کودک، قم، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۶

۷) محمد داودی، تربیت دینی (سیره تربیت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام)، جلد ۲، چاپ هفتم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹،

ص ۲۲

۸) همان، ص ۲۶

«تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار و به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی صورت می‌گیرد.»

۱-۱ جایگاه تربیت در اسلام

از آنجایی که خداوند انسان را جانشین و امانتدار خود در زمین قرار داده و در حقیقت شالوده حکومت او را بر هستی مقرر فرموده و همه چیز را مسخر او کرده و هرچه در آسمان و زمین است در اختیار او و برای او و او را نیز برای تکامل آفریده است، پس انسان را در نیکوترین شکل و اعتدال خلق فرموده است؛ «... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۱؛ همانا من در زمین جانشینی خواهم گماشت...» پس فقط انسان است که شایستگی حمل امانت خدا، کشیدن سختی‌ها در راه او و نهایتاً رسیدن به لقاء الله را دارد بنابراین ضرورت ساختن و تکامل این اشرف مخلوقات در همه ابعاد وجودی مورد تأکید و توجه فراوان می‌باشد؛ از همین رو تربیت و پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان همواره از اهمیت و جایگاه خاصی در آموزه‌های دین اسلام برخوردار بوده است.

۱-۲ اهمیت و ضرورت تربیت

در میان همه مکاتب و ادیان، اسلام بیشترین و کامل‌ترین عنایت را به تربیت و آموزش انسان‌ها دارد تا جایی که انسان وارسته و خداجوی را از فرشتگان مقرب درگاه الهی برتر دانسته است بنابراین تربیت در اسلام از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است در اهمیت تربیت همین بس که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید انسانی که به طرز صحیح و آبرومندی تربیت شود نسل و نژاد آبرومند و بزرگواری را تربیت خواهد کرد؛ آنجا که می‌فرماید:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَجِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ^۲؛ سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمینهای بد طینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم»

و نیز اگر به تاریخ اسلام مراجعه و در آن اندیشه شود دیده می‌شود که همه ائمه معصومین (علیهم السلام) در سفرها و حضرها و در جنگ‌ها و صلح‌ها و در تمام مراحل زندگیشان یک هدف داشتند و آن تربیت و هدایت نسل بشر بوده است؛ حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْأَدَبُ أَحْسَنُ السَّجِيَّةِ؛ ادب نیکوترین خصلت است»^۳

انسان تا زنده است استعداد تکامل دارد و محتاج به تربیت است، دین مبین اسلام که کامل‌ترین و آخرین دین الهی است همواره و در همه زمینه‌ها و به اشکال مختلف مسلمانان را به طرف پاکی و وارستگی و ساخته شدن و بالا رفتن معنوی سوق می‌دهد بنابراین بدیهی است سعادت فرد و جامعه، تکامل و ترقی انسان‌ها و

^۱سوره بقره (۲)، آیه ۳۰

^۲سوره اعراف (۷)، آیه ۵۸

^۳عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹

خانواده‌ها، پیشرفت جوامع بشری، سلامت جسم و جان بشر، ارتباط مستقیمی با تربیت افراد آن جامعه دارد در صورتی که انسان‌ها مبحث تربیتی را به درستی شناخته، می‌توانند خود و جامعه خویش را تربیت کرده و به سوی خوبی‌ها و ارزش‌های اخلاقی سوق دهند بدین ترتیب همواره به سوی تکامل، ترقی و استقلال در حرکت خواهند بود و عقب ماندگی و شکست، ذلت و خواری و مفساد اخلاقی و اجتماعی دامگیرشان نخواهد شد؛ تربیت بر شناخت، احساس و عقل اثر می‌گذارد و این تأثیرها به علم خط مشی می‌دهد و انگیزه و طرح جامعی را پایه‌گذاری می‌کند.^۱

حضرت علی (علیه السلام) به فرزندشان امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند:

«وَأِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلُ لُبُّكَ»^۲ قلب انسان همچون زمینی است که از زراعت خالی است و می‌تواند هرگونه بذری را که در آن افشاند می‌شود پذیرفته و بیرواند از این رو پیش از آنکه قلب و عقل استعداد و قابلیت خود را بر اثر چیزهای ناشایست از دست بدهد و نتوانند بذر تربیت سالم را بیرواند به تربیت تو مبادرت کردم.»

تربیت در واقع سازندگی و اصلاح و به عبارت دیگر پروردن استعدادهای واقعی انسان و به تعبیری زنده کردن انسان است، تربیت از جنبه فردی عاملی برای سازندگی انسان و وسیله‌ای به منظور هدایت و رشد اوست، از طریق تربیت می‌توان آدمی را به بلندترین نقطه جمال و کمال رساند و از افرادی بی‌تجربه نسبت به دنیای آینده انسان‌های متفکر، مدبر، خلاق و مولد، موجد تحول و تغییر در سطح بین‌المللی ساخت. از جنبه جمعی نیز تربیت عاملی برای هم‌سازی و تفاهم در حیات اجتماعی توأم با صلح، سعادت و زندگی در سایه حفظ و رعایت قوانین است، امری که وجودش برای ادامه حیات همه جوامع ضروری است، ارزش و قیمت یک جامعه به معادن و ثروت‌های آن نیست بلکه بهای آن منوط به مغزهای پرورش یافته و انسان‌های ساخته شده‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و به کار و تلاش می‌پردازند.^۳

بنابراین تربیت باعث دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رسیدن تدریجی و مداوم او می‌شود.

۱-۳ هدف تربیت

با توجه به فطرت الهی انسان اصلی‌ترین هدف تربیت رشد اخلاقی، استحکام اعتقاد و آماده ساختن انسان برای اعمال نیک و شکوفا نمودن استعدادهایی که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده، است، لذا تربیت می‌تواند رابطه انسان را با آفریدگار و با پدیده ماوراء ماده تعیین کند و براساس ضوابطی مشخص قرار دهد بدان گونه که آدمی در مسیر زندگی با تکیه بر آن ضوابط قادر به ادامه زندگی بوده و در کشاکش مسیر حیات به آن متکی گردد و آرام یابد.^۴

(۱) عین. صاد، انسان در دو فصل، قم، انتشارات هجرت، بی‌تا، ص ۷۵

(۲) نهج البلاغه، نامه ۳۱

(۳) علی قائمی، زمینه تربیت، همان کتاب، ص ۵

(۴) علی قائمی، خانواده و تربیت کودک، همان کتاب، ص ۲۷

روایت دوم:

"حضرت علی (ع) فرمود: حق فرزند بر پدرش این است که اسم نیکو برای او برگزیند و او را نیکو تربیت کند و به او قرآن بیاموزد."^۱

این روایت در حکمت ۳۹۹ نهج البلاغه نقل شده که دارای سند صحیح می باشد. و با توجه به دو نکته دلالت بر جواز تادیب کودکان می کند؛ یکی اینکه تادیب فرزند اعم از زدن اوست، چون تادیب لزوما همیشه همراه با زدن نیست. و دیگر اینکه تادیب فرزند اعم از کودک است و شامل افراد بالغ هم می شود. در نتیجه تادیب از جمله حقوق فرزند برعهده پدر است که با شیوه های مختلفی صورت می گیرد.

ج) جواز تادیب و تعزیر بر اساس قاعده احسان

یکی از مصادیق روشن احسان به کودکان باز داشتن آنها از انحرافات و رفتارهای نادرست و ناشایست است. تنبیه به صورت مطلق و تنبیه بدنی به صورت خاص، در مواردی که ضرورت ایجاب می کند و جایی که احتمال اثر گذاری آن وجود دارد، از جمله مصادیق روشن احسان به کودکان است.^۲

د) اتفاق فقها بر جواز تعزیر و تادیب کودک

-صاحب ریاض المسائل با فرض جواز تادیب و تعزیر کودک اینطور می گوید: "یکره أن یزاد فی تأدیب الصبی وتعزیره حیث یحتاج الیه عن عشره أسواط و کذا العبد کما هنا و فی الشرایع والقواعد والسرائر"^۳

و نیز صاحب دلیل تحریر الوسيله در مقام اصل جواز تعزیر و تادیب کودک اینچنین می گوید: "یقع کلام هنا فی أمرین: الاول: فی اصل مشروعیه تعزیر الصبی، والثانی: فی مقداره، أما الاول: فلا اشکال فی اصل مشروعیه تأدیب الصبی وتعزیره فی الجملة ولا خلاف بین الفقهاء فی ذلک"^۴

از مجموع اقوال فقهای امامیه در زمینه تادیب و تعزیر کودک اینطور نتیجه گرفته میشود: فقها اصل این امر را می پذیرند و اگر اختلافی هم وجود دارد در رابطه با اصول و احکام اجرایی آن است.

نتیجه گیری

^۱ ابن ابی الحدید، همان، ص ۵۴۶

^۲ علی قبادیانی و ابوذری صناعی، همان، ص ۱۰۹

^۳ سید محسن، طباطبائی حکیم، همان، ج ۱۵، ص ۵۹

^۴ علی اکبر، سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسيله - احکام الاسره، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۹، ق، ص ۲۷۰

از منظر علوم تربیتی بویژه تربیت اسلامی، اصل در امر تربیت بر تشویق و محبت و مدارا است. اما تنبیه نیز یکی از روشهای تربیتی است که در موقعیت های خاصی میتواند روش بازدارنده و گاه اصلاحی باشد، و در صورتی این روش تربیتی موثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون و اصول و قواعد خاص خود به کار گرفته شود؛ در غیر این صورت اثر مخرب تنبیه به مراتب شدیدتر و بیشتر از آثار مثبت آن خواهد بود. تنبیه از نظر اجرایی دارای مراحل متعددی است که در صورت ناکارآمد بودن روشی سراغ روش بعد میتوان رفت بنابراین تنبیه بدنی در مرحله آخر از تنبیه قرار دارد. از نظر فقهی و روانشناسی تربیتی، فقها و دانشمندان دارای نظرات و دیدگاه های متفاوتی هستند؛ اما با این حال با توجه به ادله فقها، آنها اصل تنبیه را پذیرفته اند و اگر اختلافی هم وجود دارد متوجه اصول و احکام اجرایی آن است. و در حیطه روانشناسی نیز آراء مختلفی وجود دارد ولی ادله مخالفان کافی نیست و مشکلاتی که بعضاً در اجرای تنبیه پیش می آید بیشتر نتیجه عدم رعایت اصول اجرایی آن است و نمیتواند تنبیه را که به عنوان یک روش تربیتی است، رد کند. در اغلب موارد تنبیه علاوه بر حذف رفتارها و عادت های غلط گذشته، موجب آموزش رفتارهای جدید می شود. بنابراین تنبیه یکی از ابزارهای اصلاح و تربیت است که ادله مخالفان آن کافی نیست، در نتیجه نمیتوان به صرف اشکالاتی که بیشتر حاصل عدم رعایت اصول اجرایی آن است، از اصل این روش برای تربیت کودک، صرف نظر کرده و آن را حذف کرد.

منابع

-قرآن مجید

-نهج البلاغه

(۱) ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

(۲) ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

(۳) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.

(۴) اتیکسون، ریتال ال، زمینه روانشناسی هلیگارد، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، تهران: نشر رشد، ۱۳۸۵.

(۵) احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقائیس اللغة، به تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت: مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ق.

(۶) انصاری (شیخ انصاری)، مرتضی، مکاسب المحرمه، بیروت: موسسه النعمان، ۱۴۱۰ق.

(۷) برقی، احمد بن محمد، المحاسن، به تحقیق جلال الدین محدث، قم: دار الکتب اسلامی، ۱۳۷۱ق.

(۸) بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

(۹) بی آر هرگنهان، متیواچ السون، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دانا، چاپ اول، ۱۳۷۴.

(۱۰) پیازه، ژان، پرورش کودک، انتشارات نیما، بی تا.

(۱۱) تیمی آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، محمد علی انصاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۷.

(۱۲) حاجی باباییان امیری، محسن، روش های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

(۱۳) حسینی، داوود، جایگاه تشویق تنبیه در اسلام، قم: نشر مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱.

(۱۴) همان، مبانی نظری تنبیه از دیدگاه روانشناسی و اسلام، نشریه معرفت، ش ۱۷۴، ۱۳۹۱.

(۱۵) حسینی زاده، سید علی، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

(۱۶) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

- (۱۷) حلبی، ابو صلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمومنین، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- (۱۸) خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم ودررالكلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- (۱۹) داوودی، محمد، تربیت دینی (سیره تربیت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع))، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
- (۲۰) دشتی، محمد، مسئولیت تربیت (بررسی نقش زنان)، قم: انتشارات اسلام، بی تا.
- (۲۱) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۱۴ و ۱۵، قم: ۱۳۷۷.
- (۲۲) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- (۲۳) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- (۲۴) رشید پور، عبد المجید، چگونه باید تربیت کرد؟، قم: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.
- (۲۵) ریاحی، غلامحسین، روانشناسی در خدمت اولیاء و مربیان، تهران: نشر اشراقیه، ۱۳۶۸.
- (۲۶) سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران: نشر ویراند، ۱۳۷۷.
- (۲۷) صاد، عین، انسان در دو فصل، قم: انتشارات هجرت، بی تا.
- (۲۸) صبور اردوبادی، احمد، زیربنای تربیتی (اخلاق و انسان)، بی جا، انتشارات شناخت اسلام، بی تا.
- (۲۹) صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تربیت بدون خشونت، تهران: انتشارات یونیسف، ۱۳۸۶.
- (۳۰) طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک عروه الوثقی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- (۳۱) طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت: دارالضواء، ۱۴۱۳ ق.
- (۳۲) همان، المبسوط فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.
- (۳۳) عابدینی مطلق، کاظم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات فراگفت، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
- (۳۴) فایضی، علی و محسن آشتیانی، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: انتشارات روحانی، ۱۳۷۵.
- (۳۵) قائمی مقدم، محمد رضا، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

- (۳۶) قائمی، علی، پرورش مذهبی کودک، قم: انتشارات رشاد، ۱۳۵۸.
- (۳۷) همان، زمینه تربیت، قم: انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
- (۳۸) همان، خانواده و تربیت کودک، قم: انتشارات امیر، ۱۳۶۸.
- (۳۹) همان، نقش مادر در تربیت، قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۶۷.
- (۴۰) قبادیانی، علی و ابوذر صانعی، فصلنامه علمی-پژوهشی «مطالعات فقه تربیتی»، ش ۶، ۱۳۹۵.
- (۴۱) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
- (۴۲) کریمیان، حسین، بررسی رفتار در روانشناسی تربیت، قم: نشر مدین، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- (۴۳) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، قم: نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
- (۴۴) مازندرانی، علی اکبر سیفی، دلیل تحریر الوسیله - احکام الاسره -، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
- (۴۵) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- (۴۶) مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدر، چاپ هفتاد و پنج، ۱۳۹۰.
- (۴۷) معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر دیبا، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- (۴۸) نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، تهران: المکتبه المحمديه، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- (۴۹) نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- (۵۰) هندی البرهان فوری، علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.